

## بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان - 28 / بهمن / 1388

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز که در این مناسبت بسیار باشکوه و فراموش نشدنی - یعنی مناسبت بیست و نهم بهمن تبریز - این راه طولانی را طی فرمودید، قبول زحمت کردید و حسینیه‌ی ما را منور کردید. حقیقتاً نفس گرم شما، زبان گویای شما، انگیزه‌های غیر قابل سکون و سکوت شما، که در همه‌ی موارد محسوس بوده است، فضای حسینیه را امروز گرم و گیرا و انقلابی کرد؛ همچنان که در طول زمان، همیشه مردم تبریز مظهر همین خصوصیات برجسته بوده‌اند.

در طول تاریخ نزدیک به خودمان، در حوادث بزرگ، از دوران مشروطه و قبل از مشروطه تا امروز، انسان دو ویژگی را در تبریز و در آذربایجان می‌بیند: یکی اینکه مردم تبریز در حوادث گوناگون همیشه آغازکننده بودند، شروع کننده بودند و ابتکار عمل را در دست گرفته‌اند. قضیه‌ی بیست و نهم بهمن از این قبیل است. اگر مردم بیدار تبریز در چهلم حوادث قم، آن حادثه‌ی بزرگ را به وجود نمی‌آوردند، این سلسله‌ی اربعین‌ها در کشور راه نمی‌افتاد و این حرکت خودجوش عظیم مردمی در سراسر کشور معلوم نبود چگونه به وجود خواهد آمد و چگونه ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین ابتکار عمل را تبریزی‌ها کردند. در قضایای قبل هم همین جور بوده است، در قضیه‌ی مشروطه هم همین جور بود؛ تبریزی‌ها شروع کننده‌اند، مبتکرند. بسیاری از این شعارهایی هم که امروز در زبان مردم عزیز ما در سراسر کشور جریان دارد، غالباً از تبریز شروع شده است.

خصوصیت دوم، وفاداری است. بعضی‌ها وارد یک راهی میشوند، اما ادامه نمیدهند و وفادار نمی‌مانند؛ حوادث گوناگون آنها را متزلزل میکند، مردم میکند؛ گاهی از راه برمیگردند، گاهی بدتر از برگشتن، اصل حرکت و راه را انکار میکنند؛ از این قبیل داشتیم. مردم تبریز و آذربایجان وفادارند، ایستاده‌اند. خدای متعال در قرآن میفرماید: «و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیة اجرا عظیما». (1) آن کسی که وفادار میماند، پای حرف حق و سخن حق می‌ایستد، گذشت زمان و حوادث دشوار، او را متزلزل نمی‌کند، خدای متعال به او پاداش بزرگی خواهد داد. یک عده‌ای اینجور نیستند، عهدشکنی میکنند؛ «فمن نکث فائما ینکث علی نفسه». (2) عهدشکن به ضرر خود عمل میکند و در واقع به خاطر عهدشکنی، خود را خسارت زده میکند؛ راه خدا خسارتی نمی‌بیند. شما مردم تبریز و مردم آذربایجان وفاداری کردید و ایستادید.

امام بزرگوار ما با اینکه با تبریز آشنائی نزدیکی نداشتند، اما مردم تبریز را خوب شناخته بودند. در آن قضایای فتنه‌ی اول انقلاب که در جاهای مختلف فتنه‌انگیزی شد، از جمله در تبریز، امام فرمودند که خود مردم تبریز جواب فتنه‌گران را خواهند داد، و دادند؛ همین جور شد. جز نیروی ایمان و غیرت و همت و آگاهی و بصیرت، چیز دیگری نمیتوانست آن فتنه‌ها و آن آتشها را خاموش کند.

امروز هم همین جور است. جوانهای عزیزی که امام را ندیدند، دوران دفاع هشت ساله را ندیدند، «باکرد»ها را ندیدند، شخصیت‌های فداکار آن روز را که شهید شدند، ندیدند، اما با همان قدرت، با همان استقامت و با همان بصیرتی در صحنه حاضر میشوند که آن روز جوان تبریزی در بیست و نهم بهمن وارد میدان شد و در طول دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، در جبهه‌های مختلف از خود دلاوری و فداکاری نشان داد. امروز جوانهای ما همین جورند. این معنایش چیست؟ چرا؟ قضیه چیست؟ قضیه را در حقانیت این سخن باید جستجو کرد: «سخن انقلاب، سخن حق». این، خاصیت حق است. «مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة»: این یک درخت پاکیزه و سالم و خوش‌نهادی است که در زمین سالم رشد میکند. «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»: ریشه‌اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»: (3) میوه‌ی او هم همیشگی است و در هر فصلی میوه‌ی خود را میدهد. یعنی یک بار مصرف نیست، مثل خیلی از این حرکاتی که در دنیا انجام میگیرد؛ به اسم انقلاب یا کودتا یا غیر ذلك حکومتها را تغییر میدهند، اما یک بار مصرفند؛ بعد در یک دوره کوتاهی، قضیه به شکل قبل از آن حرکت و نهضت یا گاهی بدتر

برمیگردد. کلمه‌ی حق اینجور نیست؛ کلمه‌ی حق ماندگار است.

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهائی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ والا دل میلیونها مردم را به يك سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «لو انفقت ما فی الأرض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لكنّ الله الف بینهم». (4) دست قدرت خداست که دلها را به يك سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کم‌رنگ نشده است، بلکه پُررنگ‌تر شده است، قوی‌تر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما يك سنگی را داخل آب بیندازید، يك موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه لحظه این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوس‌تر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزه‌روز برجسته‌تر میکند؟ مثل حادثه‌ی کربلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به شهادت میرسند، خانواده‌اش اسیر میشوند و آنها را میبرند و تمام. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، همان حادثه‌ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمیماند و یادی از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین بن علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمایی میکند. انقلاب اینجوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است.

خوب، دشمن جور دیگری حرف میزند. بعضی‌ها هم با همان لغت دشمن حرف میزنند، با همان زبان دشمن حرف میزنند. آیا میفهمند یا نمیفهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف میزنند، سعی میکنند وانمود کنند که انقلاب از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت در نمی‌آمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمیشد. در دنیا هم همین جور است. این انقلاب، امروز در کشورهای اسلامی هم آثارش در دلهای مردم محسوس است. به چند تا دولت معاند نگاه نکنید؛ ملتها این انقلاب را گرمی میدارند، بزرگ میدارند، به آن احترام میکنند، حسرت آن را برای خودهاشان میخورند؛ این نشانه‌های حقانیت است، نشانه‌های بقاء است؛ «تؤتی اکلها کلّ حین» است.

خوب، من و شما همچنان که تا امروز به توفیق الهی وفادار مانده‌ایم، میتوانیم وفادار بمانیم. اگر چنانچه این وفاداری را حفظ کنیم، «فسیؤتیه اجرا عظیما»؛ خدا اجر خواهد داد. این اجر، مخصوص دنیا نیست، مخصوص آخرت هم نیست؛ هم دنیا است، هم آخرت؛ در دنیا عزت است، اقتدار است، رسیدن به آرمانهای والا است، در آخرت هم اجر الهی است، ثواب الهی است، که از همه چیز بالاتر است. اگر خدای نکرده سست عهدی کنیم، بدعهدی کنیم، در میانه‌ی راه هوی‌های نفس ما را به این طرف و آن طرف بکشاند، آن هم به ضرر خود ماست؛ انقلاب راه خودش را ادامه خواهد داد. آن کسانی که انقلاب را رها کردند، آن کسانی که طبق خواست دشمن در مقابل انقلاب ایستادند، ضرر کردند. خیال میکنند حالا بنشینند علیه انقلاب توطئه کنند، حرف بزنند، تحریک کنند، راه به جایی خواهند برد؛ نه، اشتباه است.

در قضیه‌ی بیست و دوم بهمن امسال که این معجزه‌ی عظیم الهی خود را نشان داد، این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشمنان و مخالفان - چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل - جور دیگری فکر کرده بودند، نقشه‌ی دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند. از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثه‌ی بیست و دوی بهمن را که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است، خراب کنند؛ چه در تهران، چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را پیش‌بینی کرده بودند. در حرفهایشان گفتند که روز بیست و دوم بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی اینجور میگفتند، بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهره‌ی مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی

در بیست و دوم بهمن نشان بدهند؛ اینجور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده‌اند، از نظام جمهوری اسلامی بریده‌اند، در مقابل آن قرار گرفته‌اند؛ اینجوری فکر کرده بودند، اینجوری حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همت خود، با دست قدرت الهی که دل‌های آنها را بیدار کرد، به دهان همه‌ی این مخالفان مشت کوبیدند و حجت را بر همه تمام کردند.

دشمنان خارجی هم باید بیدار شده باشند. رئیس‌جمهور آمریکا و دیگرانی مثل او، هی دم از مردم ایران میزدند: «ما طرفدار مردم ایرانییم». «مردم ایران با نظام جمهوری اسلامی مخالفند». این حرفها را بارها تکرار کردند. ببینید اینها وقتی مردم ایران را روز بیست و دوی بهمن توی خیابانها دیدند، چه حالی شدند؟ خذلان الهی برای دشمن، از این بالاتر؟ رسوائی برای دشمن، از این بالاتر؟ يك عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند؛ هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم. بیست و دوی بهمن نشان داد که مردم کجایند، چه میخواهند، چه میگویند. غرّه شدند به توهمهایی که به آنها القاء شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمن، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.

خارجی‌ها هم همین جور دچار توهمند. الفاظ در غیر معانی خودشان به کار میروند. سردمداران کشورهای مستکبر - چند تا دولت مستکبر - می‌نشینند درباره‌ی نظام جمهوری اسلامی اظهار نظر میکنند و اینجور وانمود میکنند که جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعه‌ی جهانی؟ کدام جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار تا، پنج تا دولت مستکبر - که غالباً ملت‌های خودشان هم حرف آنها را قبول ندارند - با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالفند. نظامهایی که در پنجه‌ی کمپانی‌دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی - که فریاد عدالت سر داده است - مخالفند؛ باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکه‌ی اختاپوسی سرمایه‌داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم. بله، چند تا دولت مستکبر و دولت زورگو با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اما جامعه‌ی جهانی به هیچ وجه با جمهوری اسلامی مخالف نیست. جامعه‌ی جهانی، یعنی ملتها. جامعه‌ی جهانی، یعنی بسیاری از دولتهایی که خودشان هم از این مستکبرین ناراضی‌اند؛ اگرچه اغلب جرأت نمیکنند این ناراضی را اظهار کنند، اما ما میدانیم ناراضی‌اند. در گفتگوها، در اظهارات، کاملاً واضح است، به ما هم میگویند؛ ولی جرأت نمیکنند اعتراض کنند، میترسند. ما نمیترسیم. ما همان حرفی را که در دل ماست - که میدانیم در دل ملت‌هاست و در دل بسیاری از دولتها هم هست - صریح میگوئیم. ما با استکبار مخالفیم، ما با نظام سلطه مخالفیم، ما با تسلط چند کشور بر سرنوشت عالم بشدت مخالفیم و با آن مبارزه میکنیم و نمیگذاریم اینها با سرنوشت دنیا بازی کنند. البته پیداست؛ آن دولتها هم با ما مخالفند. آن وقت سر قضیه‌ی هسته‌ای بهانه‌گیری میکنند، به نام حقوق بشر بهانه‌گیری میکنند، به نام دموکراسی بهانه‌گیری میکنند؛ همه هم در دنیا میدانند که اینها دروغ میگویند، میدانند که اینها ریاکاری میکنند.

حالا باز مأمورشان را فرستاده‌اند اینجا، اطراف خلیج فارس بگردند و باز همان دروغها و حرفهای بی‌ربطشان را علیه جمهوری اسلامی تکرار کنند: ایران دنبال بمب هسته‌ای است! کی حرف شما را باور میکند؟ کی باور میکند که شما به منافع و مصالح ملت‌های این منطقه می‌اندیشید؟ شمائی که ملت‌های این منطقه را تا آنجا که توانستید و به شما اجازه داده شده است، در زیر پای منافع نامشروع خودتان لگدمال کردید. خلیج فارس را تبدیل کردید به انبار تسلیحات. این کارها را آمریکائی‌ها کردند. پول‌های کشورهای خلیج فارس را بمکند و ببرند، به جایش تسلیحات خودشان را آنجا انبار کنند. شما جنگ طلبید، شما به عراق حمله کردید، شما افغانستان را نابود کردید، شما به جان پاکستان افتادید و هر جای دیگر هم که امکان پیدا کنید، همین جنایات را تکرار خواهید کرد. آن وقت می‌آئید راجع به جمهوری اسلامی حرف میزنید؟ همه‌ی ملت‌های منطقه میدانند، بسیاری از دولتهای این منطقه میدانند؛ جمهوری اسلامی طرفدار صلح است، طرفدار برادری است، طرفدار عزت کشورهای این منطقه است، طرفدار عزت کشورهای اسلامی است. راه افتادند مثل دوره‌گردها! حرکتشان هم از روی انفعال است. سی سال است که علیه جمهوری

اسلامی دارند توطئه میکنند، و سی سال هم هست که دارند شکست میخورند. امسال برای چند دهمین بار جمهوری اسلامی در مبارزه‌ی خود در قبال مستکبرین پیروز شد و مستکبرین شکست خوردند. حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبه‌ی غلط ایجاد کردند، دشمن بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند؛ اما بعکس شد؛ همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. اگر تا قبل از این حوادث کسی میخواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است، بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است. و ملت ایران اینجوری است؛ وقتی که دید دشمن در کمین است، معطل نمیکند، می‌آید توی میدان. از این به بعد هم به حول و قوه‌ی الهی و به توفیق پروردگار، همه‌ی قشرهای مردم در کارهایشان ان‌شاءالله جدی‌تر خواهند بود و با انگیزه‌ی بیشتر حرکت خواهند کرد؛ در محیط علم، در محیط صنعت، در محیط کارهای گوناگون، در محیط ادارات، در محیط کسب و کار، در محیط تجارت. همه باید تلاش کنند، همه باید کار کنند.

مسئولیت مسئولین هم سنگین شد. مسئولان کشور، مسئولان قوای سه‌گانه، در مقابل این حرکت عظیم مردمی، در مقابل این هوشیاری خیره‌کننده‌ی مردم، مسئولیتشان سنگین شد. این مردم برای دفاع از کشورشان، انقلابشان و ارزشهایشان آماده هستند. خدمتگزاران جامعه باید با خضوع و احترام در مقابل این ملت، کارهایشان را با قدرت و با جدیت دنبال کنند، برای مردم کار کنند. در کشور گرفتاری هست، نابسامانی هست، مشکل هست؛ اما هیچ گرفتاری‌ای، هیچ نابسامانی‌ای، هیچ مشکلی نیست که با دست اراده‌ی متکی به ایمان، قابل برطرف کردن نباشد. ان‌شاءالله مسئولین کشور در قوای سه‌گانه، در بخشهای مختلف، خود آحاد مردم، هر کس به سهم خود، در نوبه‌ی خود، کوشش خواهند کرد، این مشکلات را برطرف خواهند کرد. همه بدانند؛ آینده‌ی ملت ایران، آینده‌ی درخشانی است. این ملت - همان طور که قبلاً عرض کردیم - تصمیم خودش را گرفته است؛ به اوج اهداف خود ان‌شاءالله دسترسی پیدا خواهد کرد و نه فقط برای دنیای اسلام، بلکه برای همه‌ی ملتها الگو خواهد شد، تا بدانند راه عزت و عظمت از کجا میگذرد.

امیدواریم پروردگار عالم همه‌ی ملت ایران را، شما مردم عزیز تبریز و آذربایجان را مشمول الطاف و عنایات و دستگیری‌های خودش قرار بدهد و قلب مقدس امام زمان ( ارواحنا فداه ) از همه‌ی شما راضی باشد و مشمول دعای آن بزرگوار باشید و روح مطهر امام بزرگوار و شهدا از همه‌ی شما راضی باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

1 و 2) فتح: 10

3) ابراهیم: 24 و 25

4) انفال: 63